

رابطه طومار شیخ بهائی با تقسیم سنتی آب زاینده رود؟

دکتر سید حسن حسینی ابری

استاد جغرافیا و برنامه ریزی روستائی، منطقه‌ای - دانشگاه اصفهان.

چکیده

ویژگی دیگر آن این که، طومار به خط سیاقی نوشته شده است و بعضاً اسامی آن بدون نقطه ثبت شده که تطبیق محلی آن برای غیر اهل فن کمی مشکل است. نگارنده در کتاب زاینده رود از سرچشمه تا مرداب، کوشیده است تا این مشکل را حل نماید. طومار مزبور تا سالهای اخیر که شبکه جدید آبیاری رودخانه تکمیل نشده بود (در بلوک آیدغمش، آشیان و رودشتین) مجری بود.

در اینکه طومار ابداع مرحوم شیخ بهائی، فیلسوف و ریاضی‌دان بزرگ زمان صفویه است یا خیر؟ بعضی از نویسندگان که اصولاً زمان کافی برای کشف حقایق را ندارند، بصورت کپیه از نویسندگان قبل از خود، و همه آنان نیز از مرحوم استاد سید نفیسی نوشته‌اند، «طومار کار بزرگ مرحوم شیخ بهائی است»، که در این زمینه دو مشکل، یکی جدید بودن تمدن آبیاری زاینده رود را و دیگری تعلق آن را با همه عظمت آن به یک فرد، نسبت می‌دهند که جای تأسف است.

نگارنده طی بیست و چند سال بررسی اسنادی و میدانی در مسیر زاینده رود با دلایل مختلف و ضمن احترام عمیق به دانشمندان گذشته این سرزمین با دلایل مختلف از جمله: دلایل جغرافیائی، تاریخی و متن خود طومار به این واقعیت رسیده است که طومار تکامل یافته، تاریخ، جغرافیا، سیاست و فرهنگ سرزمین اصفهان است و با تغییراتی که در اعصار

رودخانه آب شیرین و دائمی حوزه داخلی ایران، از قدیم‌الایام به ضرورت بهره‌برداری و بهره‌وری درست در منطقه خشک با اقلیم ناپایدار اصفهان و حومه، دارای نظم و نسق (تقسیم نامه) ویژه‌ای بوده است. آخرین تقسیم نامه آن در عرف جامعه محلی بنام طومار شیخ بهائی موسوم شده است.

بر اساس این طومار کل آب رودخانه به ۳۳ سهم کلی و ۲۷۵ سهام جزئی ترین ۷ بلوک آبخور آن که از حدود ۷۰ کیلومتری غرب اصفهان تا ۱۲۰ کیلومتری شرق این شهر ادامه داشته است تقسیم شده است. (حسینی ابری، ۱۳۷۹، ۷۱) تقسیم آب بر اساس طومار از ۷۵ روز بعد از نوروز تا آخر آبانماه به مدت ۱۶۰ روز مجری بوده و در فصول سرد سال که نیاز به آبیاری وجود نداشته است، به اصطلاح رودخانه آزاد بوده، و هر کس به هر میزان نیاز داشته است می‌توانسته از آن بهره‌برداری نماید.

از ویژگیهای اصلی طومار یکی این است که، در آن هیچ روستا و مزرعه در کل منطقه و هیچ باغ و محله‌ای در داخل شهر از قلم نیفتاده و نمای بیش از یکهزار واحد آبیاری آن در ۲۷ صفحه A4 تنظیم شده و از شرح و بست‌های بی‌مورد در آن خود داری شده است. (بازنویس طومار)

و قرون در آن راه یافته حداقل به بیش از ۲۰۰۰ سال قبل می‌رسد. (حمزه اصفهانی ۱۳۶۷، ص ۶۲)

کلمات کلیدی: طومار، شیخ بهایی، ۳۳ سهم، حقابه، بلوک آبخور، خط سیاقی، دلایل تاریخی - جغرافیایی، سیاست و فرهنگ.

تقسیمات آب زاینده رود

تقسیمات طومار

بر اساس تقسیمات سنتی (طومار)، آب زاینده رود به ۳۳ سهم اصلی تقسیم می‌شود. محدوده آبخور این رود تا آنجا که در تقسیمات طومار آورده شده است از اواسط بلوک آیدغمش (بالتر از شهر باغبادران فعلی) تا مزرعه دیزی واقع در کرانه شمال غربی تپه شنی ساحل مرداب گاوخونی ادامه می‌یابد، است به شرح زیر:

۱- لنجان و النجان ۱۰ سهم

لنجان ۶ سهم

۲- ماربین و جی ۱۰ سهم

جی و برز رود ۶ سهم

۳- کراچ ۳ سهم

۴- برآآن و رودشتین ۱۰ سهم

رودشتین ۶ سهم

جمع ۳۳ سهم

تقسیم‌بندی فوق نیز در داخل منطقه به سهام کوچکتر تقسیم می‌شود، تا جایی که این تقسیمات در بین بلوکات جمعاً به ۲۷۵ سهم بالغ می‌گردد، به شرح زیر (حسینی ابری، همان، ۷۶)

۱- النجان و لنجان ۱۶۱ سهم

لنجان و آیدغمش ۱۱۳/۵ سهم

۲- ماربین و جی ۶۶ سهم

جی ۳۷ سهم

۳- برآآن و رودشتین ۳۶ سهم

رودشتین ۲۲ سهم

۴- کراچ ۱۲ سهم

جمع ۲۷۵ سهم

سهام ۲۷۵ گانه فوق نیز در بین مادی‌ها و قراء و مزارع به سهام جزئی تری تقسیم می‌شود، به طوری که در نهایت، تقسیمات آب زاینده رود در بین قراء و مزارع به ۳۰۹۸ سهم می‌رسد. یعنی:

۱- لنجان و النجان ۶۷۲ سهم

۳۱۵ سهم لنجان و آیدغمش ۳۵۷ سهم

۲- ماربین و جی ۹۵۶ سهم

ماربین ۲۸۲ سهم

جی ۶۷۴ سهم

۳- برآآن و رودشتین ۱۰۸۳ سهم

برآآن ۸۴۰ سهم

رودشتین ۲۴۳ سهم

۴- کراچ ۳۸۷ سهم

جمع ۳۰۹۸ سهم

استفاده از آب زاینده رود در مواقع کم آبی، و به خصوص از روز هفتاد و پنجم نوروز تا آخر عقرب (اواخر آبان) طی نظم و نسقی بر اساس سهام فوق صورت می‌گیرد، در سایر ماهها و روزهای سال، یعنی از اوایل قوس - توضیح: در اصل طومار سهم برآآن ۱۵ سهم منهای سهم مادی برسیان آمده است که می‌شود ۱۴ سهم.

- توضیح اینکه در متن طومار ۸۵۴ سهم آمده و ذکر شده منهای ۱۴ سهم مادی برسیان که می‌شود ۸۴۰ سهم.

(آخر آبان و اول آذر) تا ۱۵ جوزا، (حدود نیمه خرداد) رودخانه آزاد است، و هر بلوک و هر مادی هر اندازه نیاز به آب داشته باشد، می‌تواند از آن آب استفاده کند، مگر در شرایط کم آبی که نحوه اجرای آن بر اساس متن طومار به ترتیبی است که در کتاب زاینده رود از سرچشمه تا مرداب به همین قلم آورده شده است.

سابقه آبیاری در حوضه زاینده رود

اردشیر بابک چنین آمده است: آبهای اصفهان را به دست مهر بن وردان قسمت کرد، و همچنین او آبهای وادی خوزستان را نیز قسمت فرمود، و از آب آن نهرها جدا ساخت. از جمله نهر مشرقان (مشرقان) که به فارسی اردشیرکان خوانند. (حمزه اصفهانی، ۱۳۶۷، ۶۲)

در پایان نسخه‌ای از رساله «محاسن اصفهان»، که در اختیار محمد مهدی اصفهانی، صاحب کتاب «نصف جهان فی تعریف الاصفهان» بوده، ذکری از نقصان آب زاینده رود در تابستان شده است. کاتب در پایان این نسخه عبارتی می‌نویسد که ترجمه فارسی آن چنین است:

«رساله محاسن اصفهان پایان گرفتف بجز ذیل آن که مشتمل بر حکایت جاری نمودن آبها، از منابع زرنرود و شکافتن نهر آن از روزگار قدیم، و نیاز اصفهان و مردم آن، به افزودن آبهاست، از آن رو که در نقصان آن خللی فاحش است و چگونگی این بر شکافتن آبها تماماً در این ذیل مذکور است.» (آوی، ۱۳۲۸، ۲۵۴)

این نسخه «محاسن اصفهان» بعداً در اختیار میرزا حسن خان انصاری قرار گرفته است. ایشان در «تاریخ اصفهان و ری» گفته‌اند: شاید آن ذیل (که امروز مفقود است) از نیات پیشینیان عهد سلاجقه و دیالمه در آوردن آب کارون روایت می‌کرده است.

در «ترجمه محاسن اصفهان»، در مبحث مربوط به محاسن داخلی شهر، آمده است: «او معنی نسبت زر بدین رود، آن که از این شط شیرین حرکات پر برکات و مایده بر روی آن زمین یک قطره آب مهمل و معطل بی‌فایده روان نیست. و شرب هر ضیعه‌ای و قسم هر قطعه‌ای از آن، بر مقداری مبین و فرضی معین و میزانی مقوم و وردی مقسم بی تفاوت زیادت و نقصان و شائبه ریح و خسران بر خاص و عام اهالی اصفهان و نواحی آن نفع بی‌شمار و سود بسیار روان و ریزان می‌دارد، و برخی از کاریزهای کسروی و چشمه‌های خسروانی که زهاب هر یکی از سرچشمه عینان نضاختان ترشح می‌نماید، بلکه چشمه سار فیها عین جاریه

بهره‌بردای از آب زاینده رود و تقسیم آن، به اعصار قدیمه تاریخ اسکان بشر در این سرزمین می‌رسد. این نظریه را می‌توان از روی اسناد و مدارک تاریخی به خوبی اثبات نمود. مثلاً در کتاب «الاعلاق النفیسه» نوشته ابن رسته (قرن سوم) چنین آمده است:

«آبش بهترین آبهای زمینی است چنانکه اخبار آن به ما رسیده و در صحت آنها اختلافی نیست و این آب از رودخانه‌ای که بدان زرین رود گفته می‌شود می‌باشد.

این نام را اردشیر بن بابک نهاده است. سرچشمه این آب از چشمه‌ای است که از یکی از سرزمینهای حاصلخیزی که از شهر مرکزی سی فرسخ دور است می‌باشد و در روستاهایی که بدین آب نیاز است بی حساب نهرهایی از آن منشعب می‌سازند تا اینکه این آب به روستایی به نام النجان می‌رسد سپس آب زائد باقی مانده را که در این مکان جمع می‌گردد به روستاهای جی و ماریین و النجان و برآآن و طسوج الروز و رویدشت بنا به تقسیم که کسری

اردشیر بابک نموده بود تقسیم می‌کنند و برای هر قریه‌ای از این روستا سهمی مشخص و معلوم با زمان معدودی قرار داده بود که بر حسب اندازه‌های معینی آب را به هر قریه جاری می‌ساخت آنچنانکه هر کس به حق سهم خود را از آن بر می‌گرفت. آنگاه باقی مانده آب روستای رویدشت را که آخرین روستای این مسیر است سیراب می‌کند و سپس به زمین فرو می‌رود.

می‌گویند که: این آب در یکی از خوره‌های کرمان سر بر می‌زند و در آنجا مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما کسی که این آب را به فرمان اردشیر تقسیم کرد، و کسی متذکر نام وی نشده است مهر بن وردان (ظ: مهر بن وردان) است و تنها حمزه بن حسن (حمزه اصفهانی) در کتاب «سنی ملوک الارض و الانبیاء» از وی نام برده است. و در «مجمل التواریخ والقصص»، و در کتاب «تاریخ پیامبران و شاهان»، (ترجمه سنی ملوک الارض و الانبیاء) در ذکر آبادانی‌ها در زمان

اما، از چگونگی تقسیمات و سهام روستاهای آبخور زاینده رود، طومار و یا نوشته‌ای مربوط به دورانهای قبل از آن، به دست نگارنده نرسیده است و تنها از قرن دهم هجری، یا بعد از آن طوماری در دست است به نام طومار شیخ بهائی، که ذیلاً به تحلیل آن پرداخته می‌شود.

در این مورد که آیا طومار تقسیم آب زاینده رود، حاصل فکر و اندیشه دانشمند بزرگ، شیخ بهائی است و یا قبل از آن نیز تقسیم نامه‌ای متداول بوده یا نه؟ دلایل و شواهد زیادی هم در متن طومار، هم در منابع تاریخ و هم در منطقه وجود دارد.

مبنی بر اینکه، تقسیم آب زاینده رود قدیمتر از زمان شیخ صورت گرفته است. (حسینی ابری، ۱۳۷۹، ۸۴)

الف - متن طومار

متن طومار حاکی از آن است که، تقسیم آب زاینده رود ابداع زمان و شخص شیخ نبوده بلکه، بنا بر نیاز شدید به آب، از یک سو پیوسته نظم و نسق خاصی در بهره‌برداری از آب رودخانه موجود بوده و از سوی دیگر، تقسیم نامه‌ها نیز دائماً در حال تکامل و تحول بوده است. زیرا:

- در متن طومار اسامی روستاهایی وجود دارد که در حال حاضر و حتی بین معمرین و شواهد محل نیز اطلاعی از زمان آبادانی آنها در دست نیست، و اکنون حتی در محل، با نام مذکور در طومار آن روستاها آشنا نیستند. نمونه قریه بین در بر آن شمالی که ۲۰ سهم از سهام ۷۲ گانه مادی بین متعلق به آن قریه است و اکنون قریه‌ای به نام قریه بین در منطقه وجود ندارد.

حتی در متن طومار از مادی‌های قبل از طومار نام برده می‌شود، که بعضی از آنها در مادی دیگر ضمیمه شده و یا محل انشعاب آنها تغییر کرده است به شرح زیر:

- مادی امیر محمود شاه

- مادی ممد انتقالی (سابق)

- مادی چم گوساله (سابق)

مفتاح از آن می‌گشاید، چشمه بر چشمه و چاه بر چاه بر مسافت فرسنگها مرتب و محفور، به عمق آن به نسبت با سطح زمین نه نزدیک و نه دور، در منفعت از دراع و فایده سقایت مضاف با زرین رود صافی و معین، نور علی نور و بعضی را سقی از کاریز و رودخانه از منبع مرج البحرین یلتقیان روانه، معین به موجب قوانین و مقنن به دساتیردواوین و باقی را استحقاق سیح از مصب انا صبناالماء صبا ثم شققنا الارض شقا، نه از مشرب شط قسمی و نه از کناره کاریز سهمی...» (آوی، ۱۳۶۸، ۴۷)

در متن اصلی «محاسن اصفهان» (صفحات ۴۷ و ۴۸) و «صوره الارض» ابن حوقل (ص ۳۱۲) و «الاعلاق النفیسه» ابن رسته (ص ۱۵۵) اصطلاح قرض معینه و منصوبه به کار رفته، که در ترجمه «محاسن اصفهان» به قرض معینی ترجمه شده است.

البته در تقسیم آب، بین بلوکات آبخور زاینده رود، گو اینکه، در متون گذشته جداولی از آن نوع که در تاریخ قم مذکور است، به چشم نمی‌خورد، اما یقیناً تقسیم‌بندی وجود داشته است. چنانکه ابن حوقل در قرن سوم هجری، ضمن توضیح این مطلب که ذره‌ای از آب زاینده رود به هدر نمی‌رود. و آب طی حساب و کتاب، از رخنه‌ها و شکافهایی که نصب کرده‌اند، به روستاها می‌رود، می‌گوید: «آب رودخانه هر ماه، ۹ روز تماماً به برا آن و رودشت می‌رود، و در موقع بذرکاری، ۴۰ روز به آن سمت می‌رود. (ابن حوقل ۱۳۶۶، ۳۱۵)

علاوه بر موارد یاد شده، وجود باغات وسیع، چون باغ کاران، باغ فلاسان، باغ احمد سیاه و باغ بکر، چنانکه در «محاسن اصفهان» ذکر شده است: «هر یک به مساحت هزار جریب بوده» با توصیفات که ذکر آنها مطلب را به درازا خواهد کشید، با توجه به کم شدن آب زاینده رود در فصل تابستان و اوایل پاییز، بدون توجه به نظم و نسقی در آب رودخانه در قرون پنجم هجری و قبل از آن امکان پذیر نبوده است. ۲

۳- مادی برسیان، « که بند آن را آب برده، زیر مادر جور

بوده و حال شریک مادی مروان است». ۳

شهر اصفهان قبل از اسلام از دو شهر به نامهای جی و یهودیه و ۱۵ قریه یا روستا تشکیل شده بود که با ورود اسلام به این منطقه و سیل مهاجرین از اطراف، دهات یاد شده همه در شهر اصفهان (به ویژه در اطراف یهودیه جذب شدند. این آبادیها همه از آب زاینده رود مشروب می شدند که آبیاری آنها بدون احداث بندهای انحرافی در مبدأ آنها امکانپذیر نبود، احداث آن بندها و انتقال آب به آبادیهای یاد شده لزوماً نیازمند تعیین حقاچه‌ها به منظور تأمین سرمایه و هزینه‌های مورد نیاز بود.

ب- در منابع تاریخی

علاوه بر این، با سیری در منابع تاریخی چند صد سال پیش از تنظیم طومار مربوط به حوضه آبیاری زاینده رود، به ویژه در بلوک رودشتین به اسامی شهرها و دهاتی برخورد می‌شود، که وجود این شهرها و دهات پرجمعیت و آبادان بدون وجود نظم و نسق و در نتیجه اطمینان از برخورداری از آب زاینده رود در تابستان، نمی‌توانسته بر پای بوده باشد. زیرا منطقه رودشتین آخر آب زاینده رود است و هیچ گونه منبع آب جاری شیرین از قبیل چشمه و قنات و حتی منبع آب غنی زیر زمینی که امکان حفر چاه و بهره‌برداری از آن به وسیلهٔ دولاب و دالیه ۱ و امثال آن بوده باشد، در این منطقه وجود ندارد. از این فراتر، بدون زاینده رود و جریان آب آن رودشتین و بیشتر مناطق اطراف مسیر زاینده رود جزو نواحی خشک و فراخشک ایران داخلی به شمار می‌رود.

اما، از جمله اسناد تاریخی قابل توجهی که نشان دهنده جریان منظم آب زاینده رود در پایین دست رودخانه بوده است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. (حسینی ابری، همان،

۸۰-۸۵)

- مادی چلپاس نیاصرم

- مادی برسیان

و یا مادی‌های غور و باغور در برآن که در طومار نامی از آنها برده شده و سهمی برای آنها تعیین شده، ولی اصلاً در محل اثری از آنها دیده نمی‌شود.

۲- تعداد چهارده مادی، در طومار وجود دارد، که همگی آنها بعد از تقسیم، بنا شده، و سهم معینی ندارد، (به نقل از طومار) از قبیل:

۱- مادی شهاب آباد ارامنه

۲- مادی صالح آباد

۳- مادی باغ وحش

۴- مادی شاه

۵- مادی قورق حسن آباد

۶- مادی بابکی

۷- مادی قورق آقا سید جعفر (در لنجان)

۸- مادی ناجوان (ماربین)

۹- مادی سلیمی (جی)

۱۰- مادی آبادی دنبه (غرب اصفهان)

۱۱- مادی ناجوان ماربین (مکرر)

۱۲- مادی شاه کبیر (در داخل شهر)

۱۳- مادی شهرستان (جی)

۱۴- مادی کیوتر آباد (کراچ)

۳- قبل از تقسیم طومار مادی‌ها، سدها، و بندهایی در مسیر رودخانه احداث شده بوده است که آثار و بقایای بعضی از آنها هنوز وجود دارد، و در طومار هم به آنها توجه شده است. زیرا در چند جای طومار اصطلاح بند آن را «آب برده» و یا مادی آن را «آب برده» ذکر شده است:

۱- مادی چم گوساله، « که در جنب مادی بابا محمود،

در زیر مادی روان بوده، و ممر آن را آب برده حال معدوم است». ۱ (لنجان)

۲- سمت چلپاس نیاصرم، « که مادی علیحده بوده و آب

برده شریک نیاصرم شده». ۲ (جی)

آثار تاریخی موجود در شرق اصفهان، نشان دهنده این واقعیت است که، در ادوار گذشته سهام و ایامی که آب به مناطق پایین دست رودخانه برده می‌شد، هم منظم‌تر از سهام مندرج در طومار بوده است، و هم دایمی‌تر از آن، به عنوان مثال: هر گاه در جلگه برآن سیری کرده شود، وجود آثار تاریخی مربوط به قرن پنجم، ششم و هشتم هجری از جمله مسجد و مناره برسیان (سال ۴۹۱ هجری) مسجد و مناره گار (۵۱۵ هجری)، مناره زیار (بین سالهای ۵۵۰ تا ۶۸۸ هجری) مسجد ازیران (قرن هشتم هجری)، مسجد دشتی (قرن هشتم هجری)، مسجد جامع کاج (قرن هشتم هجری) و دیگر بناهای مهم و معتبر باقی مانده از دورانهای قبل از صفویه، نشانه‌هایی از آبادانیهای قرون و اعصار، در جلگه‌های برآن و رودشتین است، که بعد از تنظیم طومار و قایل شدن حق تقدم بهره‌برداری از آب زاینده رود، برای بلوکات بالادست رودخانه (لنجان، النجان، مارین و جی) و نیز قطع جریان آب، در ماههای تابستان که فصل کم آبی رودخانه است، باعث خشکی و در نتیجه ویرانی تدریجی، بلوکات پایین دست رودخانه شده است. (حسینی ابری، ۱۳۷۹، ۱۴۹)

ج - بررسی متن طومار

در مورد اینکه آیا، طومار تقسیم آب زاینده رود به وسیله شیخ بهائی تنظیم شده یا کلاً تغییر یافته و بالاخره نقش شیخ بهائی در طومار چه بوده است؟ باید به شواهد تاریخی و بررسی خود متن طومار توجه داشت.

۱- در صدر طومار جمله «محل نگین شریف نواب خلد آشیان جنت مکان شاه طهماسب نورالله مرقد» آمده است، از کلمات «خلد آشیان جنت مکان» و «نورالله مرقد» چنان برمی‌آید که تحریر مطلب بعد از مرگ شاه طهماسب است، در صورتی که در انتهای همین مقدمه، تاریخ تحریر «فی شهر رجب المرجب ۹۲۳» آمده است.

۱- همان طور که در سابقه آبیاری در حوضه زاینده رود اشاره شد، ابن رسته در «الاعلاق النفیسه» اولین تقسیم آب زاینده رود را به اردشیر بابکان نسبت می‌دهد و می‌نویسد: «... بنا به تقسیمی که کسری اردشیر بن بابک نموده بود، تقسیم می‌کنند و برای هر قریه‌ای جاری می‌سازند، آنچنان که هر کس به حق سهم خود را بر می‌گرفت...»

۲- ابن حوقل در قرن چهارم هجری می‌نویسد: آب زاینده رود (زرن رود) چون به دروازه شهرستان، نزدیک حصار خود می‌رسد، به شعبه‌ها و چشمه‌های بسیاری تقسیم می‌شود و آن را بر حسب حق شرب بخش می‌کنند و بدین ترتیب آب زاینده‌رود تلف نمی‌شود و از این آب ۹ روز در ماه به روستای رویدشت و برآن می‌رسد.

۳- حمدالله مستوفی رودشتین را هشتم ناحیت اصفهان و دارای شصت پاره دیه، و فارفان اقصیه آن و قورطان، ورزنه، اشکهران و کمندان را معظم قرای آن می‌داند و می‌نویسد: این دیه‌ها را که معظم قری می‌خوانیم از آنهاست که در دیگر ولایات شهر خوانند. (مستوفی، ۱۳۶۶، ۵۵۵)

۴- مافروخی ناحیه رودشت را بزرگترین نواحی اصفهان می‌داند و آن را «ناحیتی مشتمل بر زمینهای با برکت و آبهای خوش حرکت. اهالی آن ملوک و رؤسا محتشم و صدور و زعماء محترم، ارباب ثروت و مکننت و اصحاب قدرت و شوکت» توصیف می‌کند. (آوی، همان، ۲۵۷)

آن چنان شهرها و چنان آبادانی‌ها، خارج از اعتماد به جریان دایمی آب رودخانه که حتی تأمین کننده آب آشامیدنی منطقه نیز بوده است، هرگاه نظم و نسقی در بهره‌برداری از آب زاینده‌رود برقرار نمی‌بود نمی‌توانست در رودشتین وجود داشته باشد. چه در حال کنونی و چه در گذشته، زیرا در آن حال زارعین اراضی بالا دست رودخانه، آنقدر از آب این رود استفاده می‌کردند که جریان قابل توجهی از آب، به منطقه رودشتین و حتی برای آن که نزدیکتر از رودشتین به اصفهان است، نمی‌رسیده است.

و یا «چون قنوات قرینین طهرانچی و ولاشان خراب شده است سرکار صدراعظم از قرار فرمودند...» (ص ۱۳ متن سیاقی طومار)

«اضافه قراردادی سرکار صدر به شرح فوق...» (ص ۱۴ متن سیاقی طومار)

«قراردادی صدراعظم»، (ص ۱۵ متن سیاقی طومار)

در تمام موارد فوق منظور از صدر و صدر اعظم، حاجی محمد حسین خان صدر اصفهانی (متوفای ۱۲۳۹ هـ ق) صدر اعظم فتحعلی شاه قاجار است که در سال ۱۲۲۱ به منصب استیفای ممالک محروسه ایران رسید و در ۱۲۲۸ به نظم فارس مأمور و نظام الدوله لقب گرفت و چون بعد از مرگ میرزا شفیع، صدراعظم شد، به صدر ملقب گردید. از مرحوم محمد حسین خان صدر آثار خیر بسیاری از مدرسه و مسجد و ... به جا مانده است و از جمله مادی نظام آباد، نام خود را از لقب وی گرفته است.

وجود دو مسئله فوق تنظیم تقسیم نامه، و اختصاص سهام معین به مناطق آبخور رودخانه را می‌طلبد، و این امر ناگزیر، بایستی ناشی از اندیشه‌ی عالمی باشد که مورد اعتماد عامه مردم باشد، تا از برخوردها و عدم اعتمادها جلوگیری به عمل آید. در این زمینه، نمونه‌های چند دیگری نیز در ایران وجود دارد، از جمله تقسیم آب قنات اردستان را به خواجه نصیرالدین طوسی و به پیروی از فرمان هلاکوخان مغول می‌دانند. در نیریز فارس نیز روش تقسیم آب یکی از قناتهای محلی را به شیخ بهائی نسبت می‌دهند. همچنین تقسیم آب هرات (هریرود) را به عالم و ریاضیدان معروف قرن دهم هجری، مولانا عبدالرحمن جامی نسبت می‌دهند. در این مورد نیز همانند طومار شیخ بهائی ذکر می‌شود: چون آب هرات بی سر رشته شده بود، مولانا صاحب جامی علیه الرحمه، سنجش بلوکات هرات و تقسیم آب هر بلوک را به قلب و نظره نموده و صورت طناب اراضی را استخراج کرده‌اند. حال آنکه تقسیم کننده اصلی آب هریرود را فاضل هروی می‌دانند، که خود متأثر از اثر مولانا خاموش

با توجه به اینکه در سال ۹۲۳ شاه اسماعیل سلطنت می‌کرد. و شاه طهماسب بیش از ۴ سال نداشته است، این تناقض آشکار دلیلی بر عدم اصالت سند است.

۲- شیخ بهائی در سال ۹۶۶ به ایران مهاجرت کرده و در سال ۱۰۰۶ به اصفهان وارد شده است، یعنی قریب به ۸۳ سال بعد از تاریخ تحریر طومار!

۳- از طرف دیگر در طومار برای عمارات و امکته‌ای سهم آب تعیین شده، که در اواسط و اواخر دوره صفویه احداث شده است، از جمله کاخ هشت بهشت (شاه سلیمان ۱۰۸۰)، کاخ چهلستون (۱۰۵۷)، پل خواجو (۱۰۶۰)، تالار اشرف (شاه سلیمان) و کلاه فرنگی، هزار جریب، باغ و حوش، سعادت آباد که همگی بعد از مرگ شیخ بهائی (یعنی سال ۱۰۳۰ هـ ق.) احداث شده است.

۴- در نسخه موجود طومار القابی به کار رفته است که به طور قطع مربوط به دوره قاجاریه است که مهمتر از همه القاب «صدر اعظم» و «معمت‌الدوله» است.

مینورسکی در تعلیقاتی که بر کتاب «تذکره الملوک» نوشته، آورده است «در زمان قاجاریه تغییر و تبدیلیهای شگرفی در دستگاه حکومت و مقامات مربوط به آن به عمل آمد، لقب اعتمادالدولیه متروک شد و شاغل آن مقام لقب صدر اعظم گرفت...» علاوه بر آن در دوران قاجاریه القاب اعتمادالسلطنه و معتمدالدوله نیز رایج شد. در نسخه موجود طومار در موارد مکرری به نام صدر و صدر اعظم اشاره شده است، نظیر:

«ثانی الحال سرکار عظمت مدار صاحب اختیاری صدراعظم در حوالی آب نیل لنجان قنواتی احداث فرموده‌اند و آب آن را بر روی مادی نظام آباد گذارده‌اند... و ده سهم از بابت قنات به جهت باغات چهارباغ امین آباد (پشت باغ رضوان کنونی) منظور داشته و ثبت دفاتر فرموده‌اند تا واضح باشد»، (ص ۱۹ متن سیاقی طومار)

(پیر تسلیم) متوفی به سال ۷۳۳ بوده است. (قاسم هروی، ۱۳۵۶، ۶۰)

البته با توجه به اهمیت علمی و مقام مذهبی شیخ بهائی از یک سو و اهمیت و ارزش آب در منطقه اصفهان از سوی دیگر و اینکه شیخ مدتی نیز مقام صدی اصفهان را عهده‌دار بوده است، به سادگی نیز نمی‌توان انکار کرد، که شیخ بهائی به هر صورت نظری و تغییری در تقسیم نامه آب زاینده‌رود ارائه داده باشد. گو اینکه تقسیم آب زاینده رود با شبکه وسیع آبیاری آن حتی در تمامی طول عمر شیخ بهائی نیز نمی‌توانسته است به انجام برسد. با طول تقریبی شعب اصلی و فرعی بیش از چند صد کیلومتری آن.

نسبت تنظیم طومار به شیخ بهائی در متون جدید

در حالیکه خود مرحوم شیخ بهائی در هیچ کدام از آثارش ذکری از طومار مذکور به عمل نیاورده است، و در تمامی طومار نیز نمی‌توان اثری از مرحوم شیخ مشاهده کرد، اگر طومار تقسیم آب زاینده رود نیز کار وی بود، قاعدتاً از آن در کتب و رسالاتش یاد می‌کرد. اما متأسفانه جمعی از نویسندگان بدون استناد به سندی معتبر آن را به مرحوم شیخ نسبت داده‌اند.

ظاهراً اصل ماجرا به کتاب آثار و احوال شیخ بهائی، نوشته استاد سعید نفیسی باز می‌گردد. (نفیسی ۱۳۷/۱۳۸۰) استاد سعید نفیسی در کتاب آثار و احوال شیخ بهائی، ضمن اینکه ابتدا به استناد شنیده‌های متواتر خود، بهترین کار مهندسی و مساحی شیخ بهائی را تقسیم آب زاینده رود می‌داند و می‌نویسد: «معروف است هیئتی در آن زمان به دستور شاه عباس به ریاست او [شیخ بهائی] مأمور شده و ترتیب بسیار دقیق و درستی با منتهای عدالت و دقت علمی در باب حقا به هر ده و آبادی و محله و بردن آب و ساختن مادی‌ها داده‌اند که هنوز به همان ترتیب معمول است»، خود به نقل از نامه‌ای از دانشمند عارف آقای محمد الفت

می‌نویسد: «در این قسمت حرف پابرجایی به دست نمی‌آید که صحت تاریخی داشته باشد. فقط می‌توان گفت که مشهور چنین است» (نفیسی، همان، ۱۳۸۱)

پس از این، دیگر نویسندگان و پژوهشگران هم به پیروی از مطلب یاد شده، و عمدتاً بدون توجه به تناقضات آن، طومار را منسوب به شیخ بهائی دانسته‌اند. از جمله:

مصطفی ایزدی، مشاور وزیر اسبق مسکن در دوران آقای خاتمی، در مقاله «چهره شیخ بهائی در معماری اصفهان» ضمن بر شمردن شاهکارهای شیخ بهائی در زمینه معماری، تقسیم آب زاینده رود را با قطعیت تام، یکی از نمونه‌های حیرت انگیز مهندسی و مساحی او می‌داند (ایزدی، ۱۳۸۱، ص: ۹۲)

در مقاله‌ای به قلم «شاعری دانشمند؛ تحت عنوان «مرورری بر آثار و احوال شیخ بهائی»، نویسنده بدون توجه به نکته‌ای که خود در آغاز مقاله به سال ۹۵۳ به عنوان سال تولد شیخ بهائی اشاره کرده، چنین آورده که: «شیخ بهائی برای تنظیم تقسیم آب زاینده‌رود در عهد سلطنت شاه طهماسب صفوی، سندی تهیه کرد که به «طومار شیخ بهائی» معروف است و ظاهراً شاه در رجب ۹۲۳ هجری قمری آن را صادر کرد که از آن به بعد مبنای عمل بوده است. یعنی حدود ۳۰ سال قبل از تولد شیخ بهائی!!

نویسنده‌ای دیگر در مقاله «شیخ بهائی، زاهد سیاستمدار و دانشمند ذی فنون»، بدون هیچگونه توضیحی، می‌نویسد، «تقسیم آب زاینده رود هم در میان دیگر آثار شیخ بهائی قرار می‌گیرد.»

مرحوم دکتر لطف الله هنر فر که در زمینه تاریخ و جغرافیای اصفهان دارای تألیفات زیادی است، در مقاله «زاینده‌رود در گذرگاه تاریخ» که در واقع اقتباسی است از مجله هنر و مردم اردیبهشت و خرداد ۳۵۷ پس از ذکر مقدمه طومار به نام «سواد فرمان شاه طهماسب راجع به آب زاینده رود» بدون هیچگونه بحثی درباره اینکه آیا واقعاً طومار سواد شاه طهماسب است یا شخصی دیگر، این جمله را می‌آورد

که: «تقسیم آب زاینده رود طبق طومار معروف شیخ بهایی می باشد که در دوره صفویه تنظیم شده است». (هنرفر، ۱۳۵۴، ۱۵)

تقی متقی در مقاله «عالمان دین در عرصه سازندگی» داستان این ماجرا را به گونه ای موازی ذکر می کند: «شیخ موضوع را بارها در درس با شاگردانش در میان گذاشت و از آرای آنها استفاده کرد و سرانجام به همراه یک نفر از آنان به سراغ رودخانه رفت، از جای جای آن بطور دقیق بازدید کرد و هر بار چیزهایی بر روی کاغذ نوشت و سرانجام با ترتیب دادن تقسیم نامه ای که بسیار علمی و فنی پرداخته شده بود، آب رودخانه را به ۳۳ سهم و سپس آنرا به ۲۷۵ سهم و میان ۱۳۰ نفر (مادی) تقسیم کرد و سهم اشخاص و قراء و قصبات و زمین ها را معین فرمود.

محمد مهریار که در چند مقاله پیاپی در فصلنامه فرهنگ اصفهان به بررسی جنبه های از این طومار پرداخته، این مسئله را بهتر و منطقی تر از سایرین مطرح نموده است: «در هیچ کجای طومار فعلی اسمی از شیخ بهایی برده نشده است. حقیقت آنکه با دقت در متن طومار معلوم می شود که طومار حتی پیش از شاه اسماعیل صفوی... مورد استفاده بوده است و شاه اسماعیل صفوی برای رفع این اختلافات، دستوری صادر می کند و فرمانی، و همین است که امروز آنرا طومار می نامند.

اما سخن بر سر آن است که چرا طومار مذکور را به نام شیخ بهایی خوانده اند و نه کسی دیگر؟ شاید پاسخ را در ۳ دلیل بتوان یافت که در زیر بدانها پرداخته می شود:

اول، اینکه شیخ بهایی آنچنان در علوم مختلف زمان متبحر بود که مردم درباره وی داستانهای فراوان و گاه اغراق آمیزی ساخته اند. به دلیل علم بالا «و نیز به سبب رهاوردهای بی نظیرش در معماری است که وی شخصیتی تقریباً اسطوره ای پیدا کرده تا جایی که معجزاتی به او نسبت داده شده است».

غیر از تقسیم آب زاینده رود، «در نیریز فارس نیز روش تقسیم آب یکی از قناتهای محلی را به شیخ بهایی نسبت می دهند» (حسینی ابری، ص ۸۸)

از طرف دیگر شاید این امکان وجود داشته است که برخی از رعایا و مالکانی که سهم شان در طومار تنظیمی، نسبت به قبل کمتر شده بود، سعی در بر هم زدن قاعده طومار مذکور نموده و بی نظمی ایجاد کنند. بنابراین طمار مذکور نیاز به اقتدار و پشتوانه ای داشت که بتواند از عهده حفظ آن برآید؛ و نام شیخ بهایی چنین ویژگی ای را داشت. علم وی از یکسو باعث می شد که کسی بر عدالت و درستی تقسیم آب در طومار مذکور، خرده نگردد. و قدرت و پشتوانه حکومتی اش هم مانع عدول از قواعد این طومار می شد. بنابراین صلاح بر این دیده شد که طومار مذکور را به نام وی بخوانند.

البته با توجه به اهمیت علمی و مقام مذهبی شیخ بهایی از یکسو و اهمیت و ارزش آب در منطقه اصفهان از سوی دیگر و اینکه شیخ مدتی نیز مقام صدری اصفهان را نیز عهده دار بوده است، به سادگی نیز نمی توان انکار کرد که شیخ بهایی به هر صورت نظری در تنظیم تقسیم نامه آب زاینده رود ارائه داده باشد. (حسینی ابری، ۱۳۷۹، ص: ۸۸)

منابع و مآخذ:

- ۱- آل داود، سید علی، ۱۳۸۷ طوطی نامه منسوب به شیخ بهایی؛ تصحیح یک اشتباه، مجله معارف. دوره شانزدهم. شماره ۳. آذر و اسفند ماه
- ۲- آوی، حسین بن محمد بن ابی الرضا ۱۳۲۸، ترجمه محاسن اصفهان، به اهتمام عباس اقبال، تهران
- ۳- ابوحالب کرجی، ابوبکر محمد، ۱۳۴۵، استخراج آبهای پنهانی، ترجمه حسینی خدیو جم، بنیاد فرهنگ ایران، تهران
- ۴- ابن رسته، احمد بن عمر رسته، الاعلاق النفسیه: ترجمه دکتر حسین قره چانلو، امیر کبیر، تهران شیخ بهایی، دانشگاه اصفهان.
- ۵- اصفهانی، حمزه، تاریخ پیامبران و شاهان، ۱۳۶۷، ترجمه جعفر شعار، امیر کبیر، تهران،

- ۶- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد، ۱۳۶۶، صورة الارض - ترجمه و تصحیح، دکتر جعفر شعار - امیرکبیر، تهران
- ۷- بی نا (۱) «شاعری دانشمند؛ مروری بر آثار و احوال شیخ بهایی». [مأخوذ از برنامه الکترونیکی نمایه].
- ۸- اداره کشاورزی استان دهم، اصفهان ۱۳۰۷، طومار شیخ بهایی، چاپ راه نجات
- ۹- بی نا (۲)، «شیخ بهایی، زاهد سیاستمدار و دانشمند ذی فنون». [مأخوذ از برنامه الکترونیکی نمایه].
- ۱۰- تهرانی - سید جلال الدین، ۱۳۱۳، تاریخ قم، چاپ مجلسی، تهران
- ۱۱- حسینی ابری، سید حسن، ۱۳۵۶، آب و مسائل آبیاری در حوضه زاینده رود، گزارش پنجمین کنگره جغرافیای ایران، دانشگاه اصفهان
- ۱۲- حسینی ابری، سید حسن، ۱۳۵۶، آب و مسائل آبیاری در حوضه زاینده رود، گزارش پنجمین کنگره جغرافیای ایران، دانشگاه اصفهان
- ۱۳- حسینی ابری، سید حسن، ۳۶۱، بررسی اجمالی طوماری ۱۳۶۵، شیخ بهائی، دانشگاه اصفهان.
- ۱۴- حسینی ابری، حسن (۱۳۷۹). زاینده رود از سرچشمه تا مرداب. نشر گلها، اصفهان
- ۱۵- حسینی ابری، سید حسن، ۱۳۸۷، اصفهان، ره آورد زاینده رود، مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل، اصفهان
- ۱۶- کریمیان سردشتی، نادر (۱۳۸۱). دانشنامه مشاهیر فنون آب و آبیاری و سازه‌های آبی (جلد اول).
- انتشارات کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران، فرهنگ و آب و آبیاری سنتی. انتشارات کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران ۱۳۷۸.
- ۱۷- متقی، تقی (بیتا) «عالمان دین در عرصه سازندگی». نشریه فرهنگ جهاد، سال چهارم، شماره چهار، [مأخوذ از برنامه الکترونیکی نمایه].
- ۱۸- اصفهانی، حمزه، همان
- ۱۹- مهریار، محمد (بی تا) «طومار سهام آب زاینده رود (۱)». فصلنامه فرهنگ اصفهان. [مأخوذ از برنامه الکترونیکی نمایه].
- ۲۰- هنرفر، لطف‌الله (بیتا) (زاینده رود در گذرگاه تاریخ، فصلنامه فرهنگ اصفهان. [مأخوذ از برنامه الکترونیکی نمایه].